خانه

جعبه ابزاری برای والدین ۲۸

خانه

دردسرهای جوانی ۲۸

خانه

اتاقی برای همه فصول ۲۹

جامعه

اردوهای مختلط فعلاً ممنوع ۳۰

طرح: جمال رحمتی، شرق

امروز روز جوان است

برنامه‌هایی «ملی» برای جوانانمان

جشن ملی زوج‌های جوان با یک ساعت و ۱۰ دقیقه تاخیر برگزار شد. مجری برنامه در توضیح و پوزش این تاخیر گفت: «دوست عزیزی می‌گفت ما ملتی هستیم با چهارهزار سال تاریخ و یکی دو ساعت تاخیر.» جشن «ملی» زوج‌های جوان یکی از برنامه‌هایی بود که سازمان ملی جوانان برای گرامیداشت هفته جوان برگزار می‌کرد. اعلام شده بود که مهریه زوج‌های شرکت‌کننده در این جشن باید حداکثر ۱۴ سکه باشد و سن کمتر از ۲۹ سال از شرایط زوج‌های شرکت‌کننده در این جشن است و همچنین نباید از زمان ازدواج زوج‌های شرکت‌کننده بیش از دو سال گذشته باشد. اما هنگام برگزاری این جشن هیچ کس دم در نایستاده بود تا شرایط بالا را نگاه کند و ببیند که آیا اصلاً دختر و پسری که در جشن شرکت کرده‌اند واقعاً زن و شوهرند و اینکه آیا مهریه‌شان جداً از ۱۴ سکه کمتر بوده است. احتمالاً برای میزبانان صرف حضور یک خانم و آقا در جشن ثابت می‌کرد که آنها یکی از الگوهای ازدواج آسان هستند. هدف جشن ملی زوج‌های جوان «معرفی الگوهای ازدواج آسان و ترویج این فرهنگ» عنوان شده بود.

■ جشن ملی

«جشن ملی زوج‌های جوان» می‌تواند یکی از معیارهای سنجش کیفیت فعالیت‌هایی باشد که سازمان ملی جوانان به عنوان نماینده دولت، در هفته جوان برای جوانان کشور ترتیب داده است. برخی از زوج‌های جوان از ساعت ۷ در سالن حجاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان حاضر شده بودند. حجت‌الاسلام مهدوی دبیر ستاد بزرگداشت هفته جوان اعلام کرده بود که برای انتخاب برخی از زوج‌های شرکت‌کننده در جشن ملی ازدواج به فهرست زوج‌هایی که با مهریه ۱۴ سکه بهار آزادی در دفتر رهبری عقد ازدواج بسته‌اند نیز مراجعه کرده‌اند. زوج‌های شرکت‌کننده در جشن هم از این گروه بودند و هم آنهایی که به طریقی متوجه شده بودند که جشنی برای زوج‌های با مهریه ۱۴ سکه وجود دارد و بدون دعوت قدم به سالن گذاشته بودند. سالن حجاب کانون پرورش فکری حدود ۶۰۰ نفر ظرفیت دارد و تا پایان مراسم «جشن ملی» نیمی از صندلی‌های سالن خالی ماند. زوج‌های جوان وقتی که وارد سالن می‌شدند چند میز که روی آنها پاکت‌های آب‌میوه و کیک تی‌تاپ چیده شده بود را می‌دیدند و دو میز نیز پر از کتاب «مطلع عشق» کمی کنارتر از آب‌میوه‌ها دیده می‌شد. کتاب مطلع عشق را محمدجواد حاج‌علی‌اکبری رئیس سازمان ملی جوانان نگاشته و «گزیده رهنمودهای حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به زوج‌های جوان» است. تا شروع برنامه دست‌اندرکاران مراسم فرصت داشتند تا میکروفن‌ها را به هم چسب بزنند، پخش موسیقی و رقص نور را امتحان کنند. در این میان گاهی تکه‌ای از موسیقی سرود ملی جمهوری اسلامی شنیده می‌شد و گاهی تکه‌ای از موسیقی متن فیلم «چشمان تمام بسته» ساخته استنلی کوبریک. گاهی هم حوصله زوج‌های جوان سر می‌رفت و به بیرون از سالن می‌رفتند تا آب‌میوه‌ای بنوشند و آن‌گاه دوربین‌های صدا و سیما گیرشان می‌انداختند. دوربین‌ها بی‌توجه به میزان استقبال از برنامه، کار خود را انجام می‌دادند. از واحد مرکزی خبر، شبکه خبر و شبکه تهران (برنامه در شهر) خبرنگارانی آمده بودند که با زوج‌های جوان صحبت می‌کردند و درباره میزان مهریه و از اینکه چطور تصمیم گرفتند مهریه‌ای اندک داشته باشند می‌پرسیدند. روی دیوار سالن پوسترهایی به چشم می‌خورد که «سالروز میلاد حضرت علی اکبر علیه‌السلام و هفته جوان» را تبریک می‌گفت. روز ملی جوان در ایران همزمان با روز تولد حضرت علی‌اکبر نامگذاری شده است. حجت‌الاسلام مهدوی دبیر ستاد بزرگداشت هفته جوان در نشست خبری خود عنوان کرده بود که «روزهای متعددی برای جوانان همچون روز جهانی جوان (۸ اردیبهشت)، روز بین‌المللی جوان (۱۲ آگوست) و روز تولد علی‌اکبر از مناسبات تقویمی است.» به گفته او روز جهانی زوج‌های جوان پیشینه‌ای مربوط به کلیسا و ترویج مسیحیت دارد و شورای عالی انقلاب فرهنگی تصمیم گرفته است که روز تولد حضرت علی‌اکبر را به نام روز ملی جوان معرفی کند.

■ ۱۴ نیم‌سکه

سرانجام برنامه شروع شد. چند جوان با بی‌سیم واکی‌تاکی به دست کنار رفتند و دو مجری آقا و خانم که زن و شوهر هم بودند به روی سن آمدند. مجری مرد میلاد مسعود «شبه پیامبر» حضرت علی‌اکبر را تبریک گفت و برنامه شروع شد. میان تمام زوج‌های جوان برگه‌های کوچک قرعه‌کشی پخش شده بود که روی آن عددی به چشم می‌خورد و در انتها از روی همین اعداد قرعه‌کشی صورت می‌گرفت. قاری قرآن به مدت ۱۱ دقیقه تعدادی از آیات سوره شمس را قرائت کرد. سپس سرود ملی جمهوری اسلامی و بعد یک تک‌نوازی سنتور با رقص نور در سالن. پس از این دو بازیگر به روی صحنه آمدند و یک نمایش طنز را اجرا کردند. خواننده‌ای هم روی سن آمد و گفت که به مناسبت هفته جوان یک آهنگ ساخته شده و او خواننده است اما چون بلد نیست لب‌خوانی کند نوارش را برای حضار پخش می‌کند و خودش از روی صحنه کنار رفت. سپس دو دف‌زن و یک مرد و یک زن روی صحنه آمدند و یک متن ادبی را همراه با دف در رابطه با حضرت علی‌اکبر و امام حسین خواندند. گروه تواشیح «لیله‌القدر تهران» نیز آمدند و قطعه‌ای را که به چهار زبان زنده دنیا (انگلیسی، عربی، فارسی و هندی) به مناسبت سال پیامبر اعظم ساخته بودند برای اولین بار در داخل کشور اجرا کردند. هنگام خواندن تواشیح نیز رقص نور و دودهایی که با فشار از صحنه بالا می‌رفت به چشم می‌خورد. یک اجرای طنز موسیقی هم برگزار شد تا اینکه نوبت به مهمان برنامه رسید. مهمان جشن ملی زوج‌های جوان سیدجواد هاشمی بازیگر فیلم‌ها و سریال‌های دفاع مقدس بود که با همسرش روی صحنه آمد. مجری برنامه به هاشمی گفت که تا به حال چند بار در فیلم‌ها و سریال‌ها شهید شده است و او پاسخ داد که تا به حال ۲۳ بار شهید شده است. ستون‌نویس طنز روزنامه جام‌جم نیز شعری خواند و یک پانتومیم هم با همراهی ترانه «کسی به دلقک نمی‌خندد» محمد اصفهانی اجرا شد. آخرین برنامه اجرای یک نمایش طنز سه‌نفره بود به نام «رستم و پدی» که درباره تقبیح برنامه و شخصیت‌های ماهواره‌ای بود. دو دوربین تلویزیون با دو فیلمبردار در تمام مدت جشن در صحنه حضور داشتند و وقایع را ضبط می‌کردند. ساعت ۱۰/۴۵ دقیقه شب نوبت به قرعه‌کشی و اهدای ۱۴ سکه نیم‌بهار آزادی به زوج‌های جوان رسید. دو مجری برنامه از درون یک گلدان شماره‌هایی را بیرون می‌آوردند و اعداد را می‌خواندند. زوج‌هایی که آن اعداد را به همراه داشتند روی صحنه می‌آمدند و مجری سکه‌ها را از جیبش درمی‌آورد و اهدا می‌کرد. در این میان یک زوج هم که هر یک شماره‌ای گرفته بودند برنده قرعه‌کشی شدند و دو بار با هم روی سن رفتند و سکه گرفتند. پس از آن بود که از پشت صحنه تصمیم گرفتند به هر زوج یک سکه بیشتر تعلق نگیرد. ساعت ۱۱/۱۰ برنامه تمام شد. برای شام به زوج‌های جوان در بیرون از سالن ساندویچ و نوشابه داده می‌شد. هر یک از زوج‌ها از روی میز ساندویچ و نوشابه را برمی‌داشتند و به خیابان می‌رفتند. جلوی در سالن حجاب در خیابان حجاب پر از دختران و پسران جوانی شده بود که ساندویچ به یک دست و نوشابه به دست دیگر مسیر خانه را پیش گرفته بودند. در جشن «ملی» زوج‌های جوان هیچ مقام مسئولی از هیچ یک از دستگاه‌های کشور حتی از سازمان ملی جوانان شرکت نکرده بود.

■ سیدحسن نصرالله و روز جوان

حجت‌الاسلام مهدوی که دبیر ستاد بزرگداشت هفته جوان است در روز ۶ شهریورماه برنامه‌های هفته جوان را تشریح کرد. جشنی که گزارش شد برنامه‌ای بود که به چهارمین روز هفته جوان اختصاص داشت. این هفته از چهارشنبه هشتم شهریور شروع شده است و تا امروز (سه‌شنبه) سالروز ولادت حضرت علی‌اکبر ادامه داشته است. امسال مسئولان اعلام کردند که نامگذاری هر یک از روزهای هفته جوان کاری کلیشه‌ای است و به جای آن نامگذاری روزها به استان‌ها واگذار شد تا هر استان بنا به شرایط بومی و فرهنگی خود اسامی را برای روزهای هفته انتخاب کند. در اولین روز هفته جوان بنا شده بود نمایشگاه کتاب و عکس در هفت پایگاه میدان آزادی، پارک دانشجو، فلکه دوم صادقیه، میدان هفت حوض، میدان ونک، میدان صنعت و میدان هفت‌تیر در تهران و نیز در استان‌های کشور برگزار شود. روز نهم شهریور که روز «مهرورزی جوانان» نامگذاری شده بود به انتقال خوان اختصاص داده شده بود و رئیس سازمان ملی جوانان حجت‌الاسلام حاج علی‌اکبری به سازمان انتقال خون رفت تا با اهدای خون «مهرورزی جوانان» را به نمایش بگذارد. روز جمعه بنا بود حجت‌الاسلام حاج علی‌اکبری در نماز جمعه تهران حضور پیدا کند و به عنوان سخنران پیش از خطبه‌های نماز جمعه درباره جوانان سخن بگوید. البته این اتفاق نیفتاد و سخنران پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران حجت‌الاسلام امین بود که درباره فضیلت ماه شعبان و تبیین دعا از سوی ائمه هدی و اهل بیت عصمت و طهارت سخن گفت. قرار بود که بسته‌های فرهنگی حاوی نتایج آخرین پیمایش در سال ۸۴ درباره جوانان نیز در اختیار ائمه جمعه سراسر کشور قرار بگیرد. در خطبه‌های نماز جمعه ۱۰ شهریور همزمان با هفته جوان آیت‌الله جنتی امام جمعه موقت تهران با بیان ازخودگذشتگی، صبر و مقاومت حزب‌الله در طول سال‌های ایستادگی، گفت که با توجه به رادمردی حزب‌الله و رهبر آنان سیدحسن نصرالله باید روز جوان را روز سیدحسن نصرالله نامید و از او به عنوان الگو یاد کرد.

■ کپسول استعداد

برنامه روز یکشنبه سازمان ملی جوانان در هفته جوان برگزاری همایش «علمی جوان و چشم‌انداز ۲۰ ساله» بود و دبیر ستاد بزرگداشت این هفته اعلام کرده بود: در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه نشست ویژه‌ای با جوانان برتر و نمونه که تنها منحصر به جوانان مدال‌آور المپیاد و کنکور نیست با مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهوری برگزار می‌شود. بیشتر این جوانان افرادی هستند که بدون ثبت اسم آنها در جای خاصی توانستند کارهای بسیار خوبی انجام دهند. به گفته حجت‌الاسلام مهدوی تعداد این جوانان حدود ۲۰۰ نفر است و شامل جوانان فعال کشاورز تا جوان موفق در انرژی هسته‌ای می‌شود. اجرای کلیپ «تولد دوباره»، تدوین کتاب شمیم جوانی در حدیث نبوی و تهیه نرم‌افزار جامع حضرت علی‌اکبر از دیگر کارهای سازمان ملی جوانان در هفته جوان بوده است. دبیر ستاد بزرگداشت هفت جوان در این باره گفته است: «تحقیقات نشان می‌دهد که نسل جدید نسبت به پدران خود دیندارتر بوده و دلبستگی آنها به هویت ملی‌شان بیشتر است به گونه‌ای که بیش از ۸۷ درصد جوانان اعلام کردند که اگر کوچک‌ترین خطری به بهانه انرژی هسته‌ای کشور را تهدید کند حاضر هستند جان خود را برای کشور بدهند» او در نشست خبری خود گفته است: «ما اعتقاد نداریم که جوانان از دست رفته‌اند. جوانان کپسولی از استعداد و ظرفیت هستند که ما باید نیمه پر لیوان را ببینیم.»

نامه‌ای برای جوانان

ایسنا: امیررضا خادم با اشاره به هفته جوان گفت: صحبت در مورد مسائل و دغدغه‌های حوزه جوانان برای همه مشخص و شفاف است، اما در ارتباط با میزان موفقیت و میل به اهداف برنامه‌های سالانه و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پنج ساله و هم‌چنین چشم‌انداز و میزان تحقق آنها، محل سئوال است که این مسائل نیز دغدغه ما در کمیسیون فرهنگی مجلس در حوزه جوانان است.

نماینده مردم تهران در خانه ملت افزود: با توجه به آن که حیطه کاری ما بیشتر مباحث فرهنگی حوزه جوان را دربر می‌گیرد، در یکی، دو هفته گذشته در جلسه‌ای که در کمیسیون پیرو جلسات پراکنده‌ای با دستگاه‌های مجری در این ارتباط داشتیم، در مجموع به این جمع‌بندی رسیدیم که در قالب نامه‌ای برای دستگاه‌های امور جوانان، چارچوبی را برای عملکردی که تا به حال انجام شده و هم‌چنین چشم‌انداز آینده روشن کنیم.

رئیس کمیته تربیت بدنی و جوانان مجلس خاطرنشان کرد: در این نامه چند فاکتور در نظر گرفته شده اولاً از دستگاه‌ها خواسته‌ایم گزارشی از شرح وظایفی که بر اساس قانون در حیطه و عرصه‌های حوزه فرهنگی جوانان دارند را به ما ابلاغ کنند، ثانیاً گزارشی از عملکرد خود طی ۲۷ سال انقلاب اسلامی در حوزه فرهنگی جوانان به ما ارائه دهند. هم‌چنین در این نامه از دستگاه‌ها خواسته شده موانعی را که در ارتباط با تحقق و انجام وظیفه و مسئولیت‌هایی برعهده داشته‌اند و باعث شده که وظایف خود را نتوانند به نحو احسن انجام دهند، به ما اعلام کنند و مورد چهارم نیز مربوط به میزان هماهنگی آنها با دستگاه‌هایی که در این حوزه فعالند و به نوعی باید این هماهنگی بین دستگاه‌ها برای انجام بهینه وظایف و بهره‌وری بیشتر وجود داشته باشد، است. این نماینده مجلس ارائه پیشنهادات و راه‌حل‌هایی از سوی دستگاه‌ها برای جلوگیری از انجام کارهای موازی در دستگاه‌های مرتبط و هم‌چنین ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌ها و انجام وظایف و اطلاع دادن آنها به کمیسیون را از دیگر موارد طرح شده در این نامه عنوان کرد.

این عضو کمیسیون فرهنگی مجلس ادامه داد: در قالب نامه‌ای این پنج مورد به تمامی دستگاه‌ها از سازمان ملی جوانان به عنوان سازمان متولی کار جوانان گرفته تا سازمان‌های دیگر از جمله بهزیستی تا محیط زیست و . . . اعلام خواهد شد. در حالی که شاهدیم متاسفانه سازمان ملی جوانان به عنوان متولی اصلی امور جوانان هیچ‌گونه برون‌ده قابل دفاعی نداشته است.

نگاه

چه بهتر که جوانی بگذرد

جوان ایرانی یک‌باره از خواب کودکی و نوجوانی بیدار می‌شود و کابوس می‌بیند، دنیایی که از هفت سالگی و با مدرسه شروع می‌شود در یک لحظه به آخرالزمان دیپلم می‌رسد و دروازه‌های دانشگاه، دانشگاه در واقع امتداد راهنمایی و دبیرستان است و می‌تواند این کابوس رهاشدگی در جامعه را چهار تا شش سالی عقب بیندازد. اما چه با ماندن در پشت کنکور و چه بیرون آمدن از دروازه دانشگاه، عاقبت این جوان در دهه سوم زندگی گریزی از این برخورد ندارد.

در جامعه ایران کسی منتظر گروه گروه جوان خواب‌زده‌ای که به یک‌باره وسط دنیای ناشناخته‌ای پرتاب شده‌اند نیست. تجربه زندگی گذشته در بیشتر وقت‌ها به کار نمی‌آید. آنچه در کودکی و نوجوانی آموخته و آنقدری که در دبستان و دبیرستان و دانشگاه تجربه اندوخته چندان ربطی به زندگی جاری در جامعه ندارد. همه چیز به شکل سرگیجه‌آوری متفاوت است. باید از اول شروع کند. بگذارید قدری مصداقی حرف بزنیم و یک جوان ۲۶ ساله برآمده از دانشگاه را که به‌زعم جامعه موفق هم بوده در نظر بگیریم. این موجود تنها چه باید بکند با سرمایه‌ای به قدر معلوماتی در ذهن و مدرکی به کف. اولین کار و بدیهی‌ترین امر جست‌وجو به دنبال شغل است. به هر حال تا کی می‌توان سربار پدر و مادر بود و دست در جیب خود نداشت. برای یافتن کار در گوشه و کنار این مرز پرگهر البته میزان علم و دانش در وهله دوم اهمیت است. کمتر مدیری حاضر است این خطر را بپذیرد و نیروی تازه‌کار را استخدام کند. با این احوال تنها پارتی است که جواب می‌دهد. اگر به نگرانی و اضطراب مادران و پدران در رو انداختن به این و آن بپردازیم از بحث اصلی دور می‌شویم. اما این را باید گفت که مادر و پدر ایرانی با این وضع دوره و زمانه هیچ‌گاه نمی‌توانند سر راحت بر بالین بگذارند و فرزند را به حال خود رها کنند. کار پیدا کردن جوان همان و آغاز شوربختی‌های زندگی همان. مطمئناً با ماهی ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان و تورم موذی هرساله نمی‌توان به جایی رسید. این جوان بینوای ما نیز احتمالاً هنوز کارهای بسیاری برای انجام دارد. خرید خانه و تشکیل خانواده با ماهی ۳۰۰ هزار تومان اگر بتواند با همین مال و منال امورات خود را به پشتوانه خانه پدری بگذراند، هنری کرده است. پس باید چه کرد. اولین کار دست به دامان شدن وام و بانک است و زیر بار قرض رفتن حداقل برای ۱۲ سال. با چنین قسط وامی تمام جوان‌ها را می‌توان سیر کرد و نفهمید که این دوره طلایی کی آمده و کی رفته است. برای پاس کردن چک و پرداخت وام باید از خواب و زندگی زد و به کار دوم و سوم پناه برد. حال اگر در نظر بگیریم که همان یافتن شغل اولین با چه مصیبتی بوده، پیدا کردن کار دوم و سوم، همت رستم می‌خواهد که البته جوان مورد نظر ما این حال و حوصله را دارد، بنابراین دوباره زیر بار

قرض می‌رود و یک پراید قسطی چاره مشکلات است. جوان اهل زندگی از هفت صبح به سر کار می‌رود و از چهار بعدازظهر به آژانس و نهایتاً نصف‌شب می‌رسد به خانه و زندگی و لابد حالا فرصت کار فرهنگی و خواندن کتاب و غیره است. چنین نمونه‌ای را همان چند شب پیش رویت کردم، با ماهی ۷۰۰ هزار تومان قسط و هفت ساعت مفید پا برپدال گاز و ترمز و اعصابی آشفته. یک مهمانی خانوادگی را همان شب لغو کرد و نمی‌رسید که برود، چون موعد چک همین یک ماه آینده است و پولی در دخل نیست. از آنجا که همه چیز در این بلاد غیرمنتظره و هیجان‌برانگیز است، اصلاً نباید این توهم را داشت که با این کار ۴۸ ساعت در روز بتوان به جایی رسید. همه این مصائب که آمد جایی است که هنوز جوان مذکور فیلش یاد هندوستان نکرده و هوس ازدواج بر سرش نزده که این مرحله خطیر آنچنان تنوعی از شدت دردسر دارد که می‌توان گفت که با گذشتن از این باب جوان از جوانی می‌گذرد. از این وصف با لکنتی که آمد شاید بتوان نتیجه گرفت که جوان بودن در دیار ما در واقع دوران آغاز اضطراب و بالا و پایین شدن زلزله‌وار زندگی است و توجیهی برای اینکه هر بلایی که سرت بیاید، اشکالی ندارد چون که جوان هستی و باید تحمل کنی و مرد آن است که در کشاکش دهر سنگ زیرین آسیا باشد. با این حال و روز چه بهتر که جوانی بگذرد و این دردسر شاداب و پرانرژی به آخر رسد.